

«آیین بازگشایی مدارس» ثبت ملی شد



وزیر میراث‌سناناکیدبر جایگاه‌مدرس‌در شکل‌گیری حافظه تاریخی و هویت فرهنگی ایرانیان گفت:امروز آیین بازگشایی مدارس را در فهرست آثار ملی میراث

ناملموس کشور ثبت کردیم تا یادمان باشد مدرسه در حافظه تاریخی ملت ایران، مکانی مقدس و زنگ‌مدرسه، آغاز گریختنی از حافظه فرهنگی وهنری ایران زمین است.

به گزارش ایسنا،لوح ثبت «آیین بازگشایی مدارس» در فهرست آثار ملی میراث ناملموس کشور، صبح چهارشنبه اول مهرماه ۱۴۰۵، همزمان با آیین ناوختن زنگ مهر و آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۶-۱۴۰۵، با حضور محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهوری، سیدرضا صالحی‌امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش و محمدصادق معتمدیان استاندار تهران در دبستان شهیدبهزادی منطقه ۲تهران رونمایی شد.

صالحی‌امیری در این آیین تأکید کرد:ثبت این آیین در فهرست آثار ملی میراث ناملموس کشور، تلاشی برای پیوند دادن گذشته فرهنگی ایران با آینده‌ای است که نسل جدید آن را خواهد ساخت.

■ ■ ■

اطلاعیه انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی درباره وضعیت «مجید سعیدی»

انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد پیش از ۱۴ روز از بازداشت مجید سعیدی، عکاس خبری و سابقه‌و عضو این انجمن، در منزل شخصی‌اش می‌گذرد و خانواده، نزدیکان و همکاران او همچنان از وضعیت وی بی‌خبرند.

به گزارش جمارن، در این اطلاعیه آمده است که با وجود پیگیری‌های انجام‌شده، تاکنون اطلاعات روشنی درباره نهاد بازداشت‌کننده، محل نگهداری و اتهامات منتسب به مجید سعیدی در اختیار خانواده‌و ناانجمن قرار نگرفته‌است.

انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران خواستار روشن شدن وضعیت این عکاس خبری و فراهم شدن زمینه آزادی او شده‌است.

■ ■ ■

حکم چهار سال حبس هیواسیفی زاده نقض شد

حکم چهارسال حبس هیواسیفی زاده،خواننده موسیقی سنتی و کلاسیک ایرانی، در دادگاه تجدیدنظر نقض شد.بر اساس گزارش اظهارات وکیل او،عنوان اتهامی پرونده تغییر

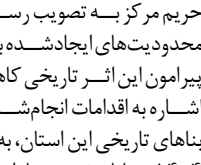
کرده وادگاه‌ارابه پرداخت ۵۰میلیون تومان جزای نقدی و سه ماه خدمات عمومی رایگان برای دانش آموزان و کودکان تحت پوشش بهزیستی محکوم کرده‌است.

سیفی زاده ۹ اسفند ۱۴۰۳ هنگام اجرای آواز در مجموعه فرهنگی «عمارت روبه‌رو» درتهران بازداشت‌وسپس باقرار وثیقه آزادشد.او مردادامسال اعلام کرده‌بود که در دادگدب‌ودی به چهار سال حبس با اتهام «تشویق به فسادوقضا» محکوم شده‌است.

■ ■ ■

حریم کاخ فلاحتی کوچک شد!

معاون میراث فرهنگی استان ایلام از کوچک‌شدن حریم کاخ فلاحتی پس از حدود ۱۵ سال خبر داد و گفت: بازنگری حریم این بنای تاریخی در شورای



حریم مرکز به تصویب رسیده و عملیات مرمت کف قلعه‌وروردی آن محدودیت‌های ایجادشده برای مالکان زمین و خانه‌های پیرامون این اثر تاریخی کاهش می‌یابد.رائد ناصری فر، با اشاره به اقدامات انجام‌شده در حوزه مرمت و حفاظت از بناهای تاریخی این استان، به ایسنا گفت: پایان سال مالی ۱۴۰۴ در پایان شهریورماه است و خوشبختانه تمام اعتبارات اختصاص یافته را جذب کرده‌ایم و در این مدت نیز اقدامات خوبی در حوزه مرمت انجام شده‌است.

اودامه‌داد: در قلعه‌والی، عملیات مرمت کف قلعه‌وروردی آن انجام شد که برای این بخش سه میلیارد تومان اعتبار اختصاص پیدا کرده‌بود. همچنین در قلعه شیخ دهلران، دیوارهای قلعه مرمت شد. با توجه به اینکه برای امسال وقوع بیدیه‌های جوی و احتمال بارندگی وسیلاب پیش‌بینی شده‌بود، این موضوع رانیز در برنامه‌های خودمدنظر قرار دادیم و برای پیشگیری از آسیب‌های احتمالی، کانال‌های انحرافی در نظر گرفته شد تا در صورت وقوع سیل یا ایجادمشکل، آب به سمت بنا هدایت نشود. اعتبار این بخش نیز دو میلیارد تومان بوده‌است.

ناصری فر درباره اقدامات انجام‌شده در کاخ فلاحتی نیز گفت: در کاخ فلاحتی با اعتباری بالغ بر یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان، همه بحث انتقال آب قنات به داخل حوزه اصلی کاخ انجام شد و هم عملیات مر بوط به فضای سبز، دیوارها و نرده‌ها را به انجام رساندیم. این اقدامات نیز در راستای همان بحث پیشگیری و پادفند غیرعامل انجام شد. علاوه‌بر این، در این بنا اقدامات مربوط به سیستم الکتریکیال و نورپردازی نیز انجام گرفت که اعتبار آن یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان بود.

■ ■ ■

نمایشگاه گروهی کاریکاتور «اثر ثانویه» برگزار می‌شود



به گزارش ایلنا، این نمایشگاه با محوریت یادآوری اهمیت ارزش هنری کاریکاتور مطبوعاتی در کنار ارزش‌های رسانه‌ای، شکل گرفته‌است. هنرمندان این نمایشگاه عبارتند از: کامبیز درمپخش، اردشیر محسن دودشاهی، احمد عربانی، پرویز شاپور، بهمن رضایی، هادی حیدری، جمال رحمتی، لاله‌ضیائی و احسان گنجی علاقمندان به بازدید از نمایشگاه «اثر ثانویه» می‌توانند هر روز از ساعت ۱۴۰۰ تا ۲۰:۰۰ و روزهای جمعه از ساعت ۱۶:۰۰ تا ۲۰:۰۰ در گالری آر تیتیشن حضور بهم رسانند.

بازگشتی که با یک تناقض همراه شد

مسئاله دیگر چالش سیاسی بخشی از حاشیه‌های خبری این سریال است که ربطی به خودداستان ندارد و به یک ویدئوی قدیمی از مدبری برمی‌گردد؛ جایی که او چندسال پیش گفته بود نمی‌خواهد حتی یک فریم از تصویرش در هیچ شبکه‌ای پخش شود. همان کلیپ این روزها دوباره از بایگانی بیرون آمده و در کنار خبر پخش سریال تازه‌اش بازنشر می‌شود، گاهی با لحنی طعنه‌آمیز. این تناقض به‌خودی‌خود ربطی به کیفیت هنری سریال ندارد اما بخشی از فضایی گفت‌وگو درباره بازگشت مدبری را شکل داده و نشان می‌دهد بخشی از مخاطبان این بازگشت رانه‌فقط از منظر هنری بلکه از منظر یک موضع‌گیری قدیمی هم می‌سنجند.

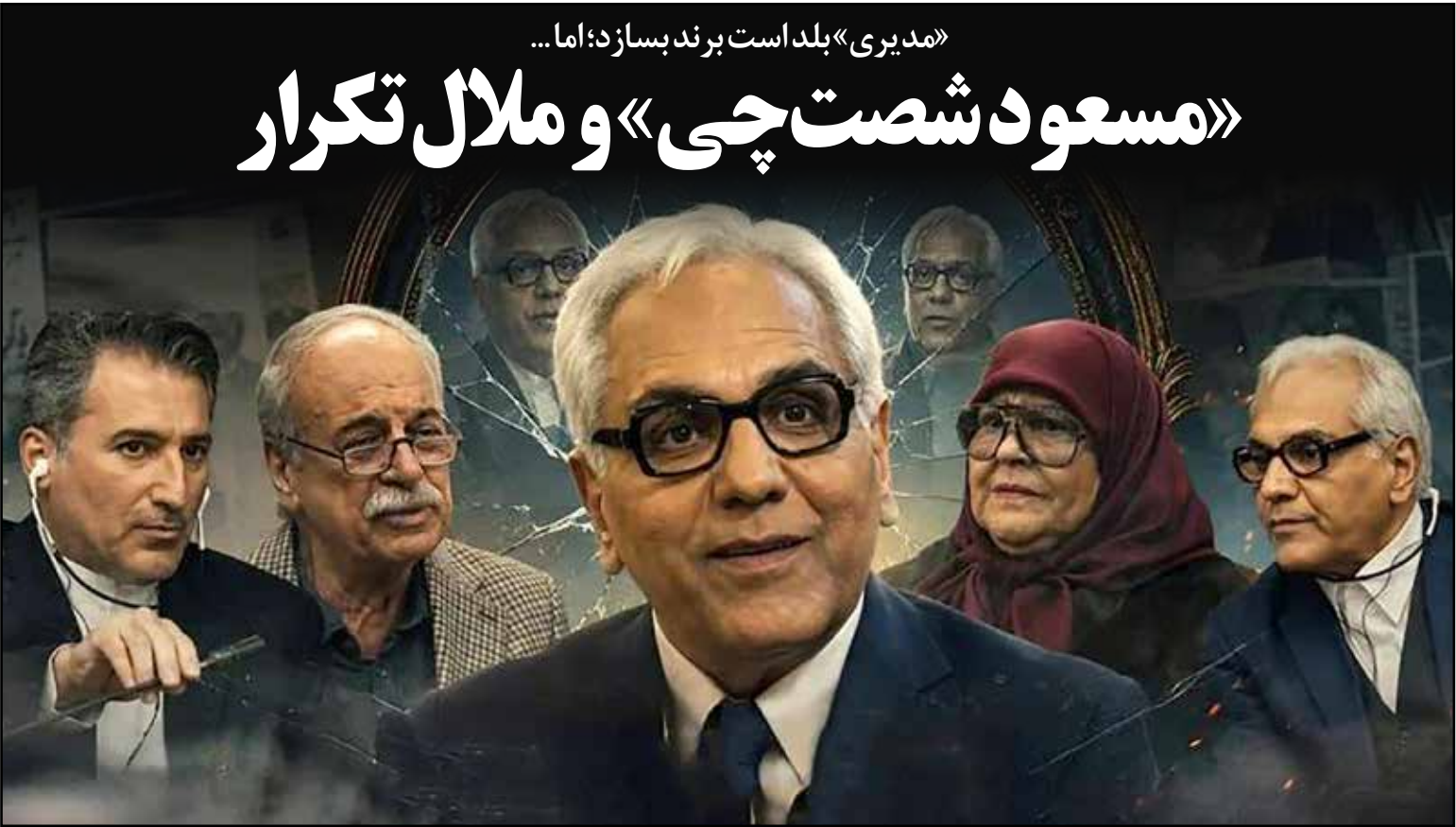
چرا این قدر پرسروصدا شد

اگر بخواهیم عامل اصلی وایرال‌شدن قسمت‌های اول را در یک جمله خلاصه کنیم باید گفت مدبری چیزی به مخاطب داده که هم بنود به آن خندید، هم درباره‌اش حرف زد و هم برایش برای دیگران فرستاد. ترکیب حافظه جمعی، شوخی‌های چندلایه و کنایه‌های قابل‌رمزگشایی دقیقاً همان موادی است که یک محتوا را روی پلتفرم‌های اجتماعی به گردش درمی‌آورد؛ حتی اگر خود سریال به‌عنوان یک اثر کامل هنوز نقاط ضعف جدی داشته باشد.

حرف آخر...

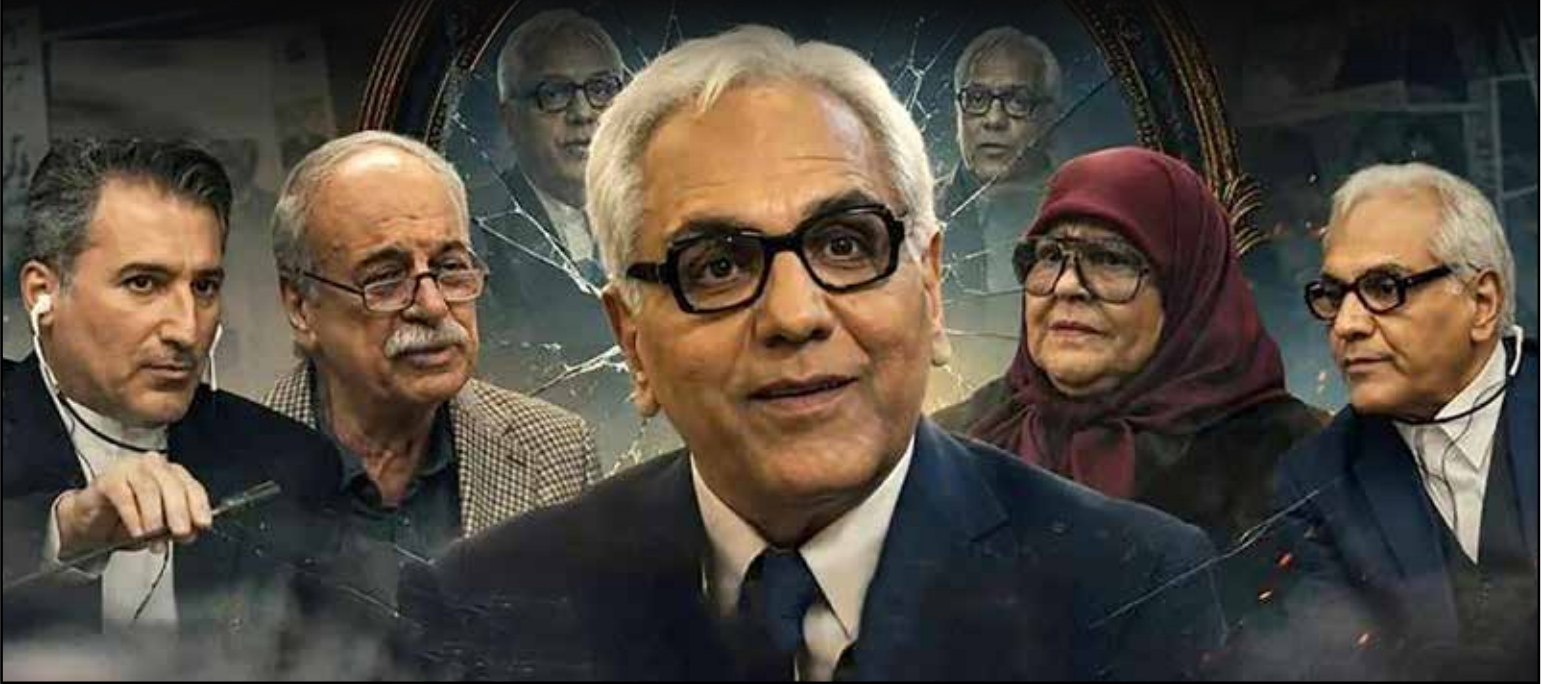
«مرد سه هزار چهره» سریالی است که در همان قدم اول ثابت کرد مدبری هنوز بلد است یک برند کم‌دی قدیمی را دوباره زنده کند و مخاطب را پای تلویزیون بنشاند. تغییر مسیر نقد از فرد به ساختار و پختگی تازه شخصیت اصلی نشان می‌دهد سازندگان تلاش کرده‌اند این فصل صرفاً تکرار مکانیکی دو فصل قبل نباشد. اما در کنار این تلاش، سریال هنوز درگیر همان مشکلاتی است که بخش زیادی از تولیدات تلویزیونی امروز ایران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ ریتم کند، دیالوگ‌های اضافه، قاب‌بندی بی‌روح و شخصیت‌های فرعی کلیشه‌ای. برای مخاطبی که این روزها با سریال‌های فشرده و تند پلتفرم‌ها بزرگ شده، این کاستی‌ها به‌سادگی قابل چشم‌پوشی نیستند.

بااین‌همه نباید فراموش کرد که آثار مدبری سابقه‌معموفی در جان گرفتن تدریجی دارند؛ سریال‌هایی که با قسمت‌های ابتدایی‌کند شروع می‌شوند و کم‌کم موقعیت‌ها جامی‌افزند. بنابراین قضاوت نهایی درباره «مرد سه هزار چهره» هنوز زود است. آنچه مسلم است این‌که این فصل، برخلاف بسیاری از تولیدات مشابه، توانسته دوباره اسم شصت‌چی را سر زبان‌ها بیندازد؛ حالا باید دید در قسمت‌های آینده این نوستالژی به یک اثر مستقل و قابل دفاع تبدیل می‌شود یا فقط در حد یادآوری خاطره‌ای خوش از دهه هشتاد باقی می‌ماند.



«مدیری» بلد است برند بسازد؛ اما...

«مسعود شصت‌چی» و ملال تکرار



محمد تقی‌زاده

مهران مدبری بعد از ۱۸ سال دوباره مسعود شصت‌چی را به تلویزیون آورده و از همان قسمت اول شبکه‌های اجتماعی را وارد بحثی دوقطبی کرد. عده‌ای این بازگشت را جشن گرفتند و عده‌ای دیگر آن را تکرار خسته‌کننده فرمولی دانستند که روزگاری جذاب بود. «مرد سه هزار چهره» که از جمعه ۱۳ شهریور از شبکه ۳ پخش می‌شود در واقع فصل سوم مجموعه‌ای است که با «مرد هزار چهره» در سال ۱۳۸۷ شروع شد و با «مرد دوهزار چهره» ادامه پیدا کرد. حالا بعد از یک پرش زمانی ۱۸ ساله شصت‌چی از تبعید بازگشت و تلاش می‌کند با استفاده در یک اداره کمک خرج پدرش باشد. اما همان‌طور که همیشه بدشناسی که یکی از حساس‌ترینشان پرونده‌ای شبیه مذاکرات ایران و آمریکا است.

شخصیتی که دیگر لازم نیست معرفی شود بزرگ‌ترین سرمایه این سریال از همان دقیقه اول روشن است: مسعود شصت‌چی برای مخاطب ایرانی غریبه نیست. سریال مجبور نیست او را از صفر بسازد چون چهره، لحن، دستیابی و حتی طرز راه رفتنش سال‌هاست در حافظه جمعی مخاطب تلویزیون نشسته است. همین‌خاطره جمعی باعث می‌شود قسمت اول بدون معطلی وارد ماجرا شود و مخاطب را همان‌جا که فصل قبل تمام شده بود پیدا کند. این استفاده هوشمندانه

گزارش

درباره نمایش «اتاق دود» به کارگردانی سینا راستگو

برمدار فرم‌های فروپاشیده اجرایی



بهنام حسن خدایی

تماشای اجرایی چون «اتاق دود» به کارگردانی سینا راستگو یادآور حال و هوای تئاتر تجربه‌گرای دانشجویی چند سال پیش از این است. همان جبرسارت دوران جوانی و دانشجویی که از قضا می‌خواهد با تئاتر بدنه تفاوت داشته باشد و از طریق فرم اجرایی چند پاره‌اش، تمرکز تماشاگران را به چالش کشیده و عواطفشان را درگیر کند. از این منظر، اجرا یا فرمی مقطع، فضاهای مختلفی را به شکل توأمان می‌سازد و در ادامه تخریب می‌کند تا همچون یک ماشین جنگی اجرایی، مکانیسم مالوف قصه‌گویی در تئاتر را از کار بیندازد و بازتابی باشد از زمانه‌ای فاقد یکپارچگی. در این میان بدن بازیگران، میانجی چند نقش مختلف بوده و بنابر سیاست اجرایی کارگردان که مبتنی است برافشای سازوکار ساختن چگونگی اجرا، این فرصت را می‌یابد که تکنری از شخصیت‌های متعدد را بازی کنند و حتی در بعضی صحنه‌ها، در نقش واقعی خویش حضور یافته و کنش بازنمایی را تا حد امکان مختل کنند. به حال این شکل حضور در صحنه و انقطاعی که در روایت ایجاد می‌شود مسبوق به سابقه بوده و فی‌المثل در دهه نود شمسی، شاهد تعدادی از این قبیل اجراها بودیم که می‌توان از «در دیوبنده» سعید زارعی به عنوان یکی از آثار شاخص مثال آورد. تجربیاتی که می‌توان گفت همچون یک بدن شورش‌ی علیه شیوه‌های اجرایی تثبیت شده عمل می‌کرد حتی اگر در بعضی تجربیات اجرایی، تا حدودی ناموفق و شکست‌خورد

شوخی‌هایی که دیر منقجر می‌شوند

یکی از ویژگی‌های متمایزکننده این فصل شوخی‌های چندلایه است. بخشی از جوک‌ها همان لحظه تمام می‌شوند اما بخش دیگری تازه بعد از پایان سکانس در ذهن مخاطب با می‌شوند؛ او یا خودش فکر می‌کند این لحن را کجا شنیده یا این اسم چرا آشناست. شوخی قسمت اول بافضای گفت‌وگوهای رادیویی سروش صحت و مجتبی شکوری نمونه خوبی از همین شیوه است؛ کسی که آن برنامہ را دنبال کرده اشاره را می‌گیرد بدون اینکه سریال مستقیم توضیحش بدهد. در کنار این، اشاره‌های ریز به نام‌و نشانه‌های سیاسی هم بخش پرمخاطره‌تر ماجراست؛ عبارتی در دل داستان معنای خودش را دارد اما همزمان ذهن بیننده را به بیرون از قصاب می‌برد. همین دوپهلو بودن است که حس می‌دهد حرفی زده شده که در ظاهر زده نشده و دقیقاً همین حس، موتور اصلی وایرال‌شدن کلیپ‌هاست.

در کنار این شوخی‌ها مظلومیت همیشگی شصت‌چی هم همچنان کار خودش را می‌کند. مخاطب به اشتباهاتش می‌خندد اما دلش نمی‌خواهد این آدم ریز فشار دیگران له شود. این همراهی عاطفی باعث می‌شود شخصیت چیزی فراتر از یک وسیله خنداننده باشد و همین می‌تواند دلیل اصلی وفاداری مخاطبان قدیمی به این برند باشد.

اما ریتم هنوز مشکل اصلی است

در کنار این نقاط قوت، بزرگ‌ترین ایراد قسمت‌های ابتدایی همان چیزی است که به نظر می‌رسید مدبری به آن مبتلا شود؛ کندی ریتم. اشتباهی که به نظر می‌رسد از همان

تماشاگران را تحت تأثیر خود قرار دهند و آنان را سرگرم کنند. حال با توجه به بحثی که شد اجرایی چون «اتاق دود» کجا ایستاده و چقدر توانسته بر پای خویش بایستد و حرف حساب خود را بزند. نمایش «اتاق دود» سینا راستگو، کمابیش مسئله‌محور است و دغدغه و وضعیت اجتماعی معاصر این روزهای ما را دارد. ماجرای نمایش در رابطه با یک گروه تئاتری است که آخرین تمرین‌هایش را انجام می‌دهد تا مجوزهای لازم را از نهادهای مسئول دریافت کند. اما نکته اینجااست که اختلافاتی مابین گروه اجرایی پیش آمده و کارگردان نتوانسته به فرم نهایی خویش دست یابد. تقابلی که بین کارگردان و بازیگران درمی‌گیرد بار دیگر این نکته را گوشزد می‌کند که بدون همدلی در یک پروژه مشترک هنری، این خط وجود دارد که فرادستی و فرودستی عیان شده و فی‌المثل کارگردان یک اجرای تئاتری، از جایگاه قدرت بخواد کار را به پیش ببرد و به بازیگران و عوامل اجرا دستورات تند و تیز دهد. تنش‌هایی که بوجود می‌آید به راحتی رفع و رجوع نشده و تافروپاشی گروه ادامه می‌یابد. از این منظر، می‌توان این نمایش را در رابطه با امکان یا امتناع یک گروه تئاتری در ساختن گروهی یک پروژه مشترک دانست.

نمایش اتاق دود مدام تلاش دارد نسبت خود را با آثار گذشته از طریق مواجهه بافیگورهای مهمی چون حمید سمندریان، محمد یعقوبی و دیگر بزرگان تئاتر کشور آشکار کند. برای همین است که بازیگری چون امین موحدی پور در نقش سمندریان و یعقوبی پا به صحنه گذاشته و در باب هنر تئاتر، رسالت هنرمند و چرایی و چگونگی یک اجرای تئاتری با کارگردان اجرا به گفتگو می‌پردازد. او به «افسون صحنه» و «دچار شدن» و این قبیل اصطلاحات هنری ار جاع داده و هنر را به امری استعلائی بدل می‌کند. از دل این مکالمات است که ایدئولوژی کارگردان در رابطه با کاری که انجام می‌دهد شکل یافته و معنادار می‌شود. به دیگر سخن، اجرا به واسطه این گفتگوها تلاش است نسبت خویش را با کلیت تئاتر این سال‌ها روشن کرده و موضع هنری‌اش را در میدان فرهنگی تئاتر به سسم و نظر دیگران اعلام کند. اما پرسشی که برای



عکس: رضا جاویدی